

واکاوی ماهیت فقهی نماز مسافر*

□ عبدالله بهمن پوری^۱

□ نجمه زکی خانی^۲

چکیده

نماز مسافر از جمله فرائض واجبی است که با شروط لازم به صورت قصر (دو رکعت) خوانده می‌شود. در مورد کوتاه خواندن نماز مسافر، دو دیدگاه حائز اهمیت هستند. مطابق با یک دیدگاه، قصر نماز در سفر جایز است؛ به دلایلی از جمله افضل بودن نماز تمام، وجوب تخییری بین نماز قصر و تمام، قصر در کیفیت نماز. این دیدگاه به دلایلی قابل اشکال و خدشه است؛ زیرا پذیرش این دیدگاه مستلزم تفسیر به رأی می‌باشد. اما قائلان به دیدگاه دیگر در باب نماز مسافر، قول به قصر نماز را در سفر اقوی دانسته و در نتیجه ادله قول وجوب قصر را ادله متقنی یافته‌اند. پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیلی و توصیفی، ماهیت نماز مسافر را با تکیه بر ادله فقهی، آراء فقها و اصولیان و خصائص بارز قصر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹.

۱. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج (bahmanpour@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول) (nz.zakikhani@gmail.com).

نماز، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که حکم نماز مسافر به نحو عزیمت است و حتی در مسافرت‌های امروزی که سفر بسیار آسان می‌باشد، وجوب کوتاه خواندن نماز، قطعی و یک الزام شرعی است.

واژگان کلیدی: نماز مسافر، قصر، مشقت و سختی.

۱. مقدمه

با توجه به پیشرفت روزافزون علوم و فناوری و گذر زمان، تغییرات بسیاری در عرصه حیات بشر رخ داده است. این پیشرفت و شتابندگی بر تمامی عرصه‌های زندگی، اثرگذار و نافذ می‌باشد. ساخت و توسعه بسیاری از وسایل نقلیه مثل هواپیما و کشتی موجب شده تا سفرها به دورترین مناطق جهان انجام شود. بسیاری از مباحث فقهی تحت تأثیر این پیشرفت قرار گرفته و دستخوش تغییرات وسیعی شده‌اند تا جایی که گهگاه شبهه‌هایی در احکام و مسائل فقهی به وجود می‌آید. یکی از این احکام فقهی، نماز مسافر یا به تعبیری «صلاة القصر» می‌باشد که اشاره به حکم شرعی نماز مسافر دارد که باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند. احکام مختلف و عدیده‌ای پیرامون این نوع نماز وجود دارد که به نظر می‌رسد با توجه به گوناگونی استفتائات و فتاوی مراجع و همچنین آسان شدن و سهولت در نحوه مسافرت‌ها به شکلی چشمگیر، ابهامات و پرسش‌هایی در این خصوص مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه آیا نماز مسافر یک حکم مشروطی یا یک حکم عمومی است؟ آیا اطلاق نماز شکسته به نماز مسافر صحیح است؟ ملاک شارع در نماز مسافر چیست؟ ویژگی‌ها و خصائص قصر نماز چیست؟

لذا با نظر به ضرورت مطالعه فقهی و توجه به نظرات متفاوت مطرح شده در این باب، این مقاله بر آن است تا با تبیین دقیق دیدگاه‌های فقها و بررسی ملاک‌ها و موازین شرعی و فقهی و تطبیق آن با روایات و همچنین فلسفه و علت عنوان نماز مسافر (نماز قصر)، ضابطه جامع و واحدی ارائه کند. گفتنی است که با بررسی ادله فقهی، واضح خواهد شد که صرفاً سفر می‌تواند موجب صدور حکم نماز مسافر شود. به تعبیر بهتر، سفر موضوعیت دارد و حکم دائرمدار آن است. همچنین عنوان نماز مسافر یا نماز قصر

بر دیگر عنوان‌ها حاکم می‌باشد و معادل‌سازی یا جایگزینی نماز شکسته با این عنوان صحیح نمی‌باشد.

بحث نماز مسافر در کتب فقهی متقدم و متأخر مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد و مباحث مختلفی دارد که در میان فقها مطرح است. مقالات بسیاری در رابطه با نماز مسافر نگاشته شده است، اما آنچه در این مقاله محور بحث می‌باشد، ماهیت فقهی نماز مسافر است که به طور صریح و خاص مورد توجه قرار نگرفته و مغفول مانده است.

۲. مفهوم‌شناسی نماز مسافر

سفر در لغت به معنای طی طریق و پیمودن راه است (جوهری، ۱۴۱۰: ۶۵۸/۲) و در اصطلاح به معنای خروج انسان از مکانی به مکان دیگر که گاهی در قرآن و سنت از آن تعبیر به «ضرب فی الأرض» می‌شود (مشکینی، بی‌تا: ۳۰۵). بنابراین با نگاهی به معنای لغوی و اصطلاحی سفر مشخص می‌شود که لفظ سفر، حقیقت شرعی یا متشرعه نیست.

برخی واژگان و کلمات گرچه غریب نیستند، اما ضروری است که به خاطر کاربرد در مضادیق گوناگون به طور دقیق و جامع مورد بررسی قرار گیرند. واژه نماز مسافر، این گونه است؛ به ویژه اینکه در زبان عربی از آن تعبیر به «صلاة القصر» می‌شود.

۱-۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی سفر

در زبان عربی با توجه به آیه «وَإِذَا ضَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» (نساء / ۱۰۱) نماز مسافر را صلاة القصر می‌نامند. قصر در لغت چند معنا دارد، ولی در اصل به معنای دست کشیدن از چیزی، کف نفس و امساک می‌باشد (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۵۹/۵). لذا وقتی گفته می‌شود: «أَقْصَرْتُ عَنْهُ: كَفَفْتُ وَ نَزَعْتُ مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ» (جوهری، ۱۴۱۰: ۷۹۵/۲) از یاری آنان دست برمی‌دارم و کوتاهی می‌کنم.

در کتاب معجم مقاییس اللغة به معنای کوتاهی آمده و در ذیل آن «قصر الصلاة» را ناتمام گذاردن نماز معنا کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۶/۵)، یا به عبارتی ترک برخی از ارکان نماز را قصر می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۳).

بنابراین قصر صلاة عبارت از دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی است و در آن سه استعمال هست: قصر صلاة، تقصیر صلاة، اقصار صلاة، و هر سه به یک معناست (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۰/۶). لیکن همان طور که در المصباح المنیر اشاره شده، بهترین تعبیر «قصر الصلاة» است که در قرآن آمده است (مقری فیومی، بی تا: ۵۰۵/۲). پس قصر در کمیت نماز مطرح است؛ بدین صورت که از کمیت و مقدار رکعات نماز چهار رکعتی کاسته می شود.

اما نکته‌ای که مهم است به آن اشاره شود، این است که بعضی از فقهای امامیه بین کوتاه شدن (تقصیر) و کوتاه کردن (قصر) نماز تفاوت قائل شده‌اند. بدین صورت که زمانی که اصطلاح قصر (اسم مصدر) به کار برده می شود، در آن کمیت فعل مدّ نظر است، اما در استعمال تقصیر (حاصل مصدر)، کیفیت عمل لحاظ می شود؛ به این معنا که به مقتضای شرایطی که برای نمازگزار به وجود می آید، رکوع و سجود نماز به اشاره کردن تبدیل می شود و یا نماز به صورت سواره یا نشسته اقامه می شود. معنای قصر در کلام قاطبه فقها کاربرد دارد، اما از ظاهر کلام برخی فقها از جمله سید مرتضی، راوندی و ابن زهره، معنای تقصیر استفاده می شود (شریف مرتضی علم الهدی، ۱۴۱۵: ۱۶۴؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱۴۳/۱؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۷۴). البته مشهور میان مفسران و فقها آن است که مراد از قصر، کاستن از تعداد رکعات نماز می باشد (اردبیلی، بی تا: ۱۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۴). در ادامه به تفصیل به نظر این فقها اشاره خواهیم کرد.

گاهی تعبیر نماز شکسته به جای نماز مسافر در ترجمه متون فقهی و رسائل عملیه و احیاناً در کلام عامیانه و عرف مشاهده می شود. بنابراین معادل صلاة المسافر و صلاة القصر در زبان فارسی، نماز مسافر، نماز کوتاه و یا نماز شکسته است.

۳. غایت تشریع نماز مسافر

پیش از وارد شدن به بحث، ذکر این نکته لازم است که علت حکم را نباید با حکمت و فلسفه آن اشتباه گرفت. «علت حکم» چیزی است که حکم دائرمدار آن است؛ یعنی هر جا علت باشد، حکم هم خواهد بود، و هر جا علت نباشد، حکم هم نخواهد بود. ولی «حکمت حکم» در حقیقت چیزی است که غالباً همراه حکم هست

و گاهی هم از آن جدا می شود (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳: ۴۳۶/۲)؛ یعنی بعضی از اوقات علی رغم اینکه حکمت وجود ندارد، حکم به قوت خود باقی است. لذا از این جهت، اخص از علت است و امر و امور دیگری در حکمت نقش دارند و به خودی خود تمام تأثیر را در حکم ندارند، اما در علت، حکم با وجود آن قطعی خواهد بود.

علت قصر نماز مسافر، نفس سفر با شرایط مخصوص است؛ اما حکمت و مصلحت آن مثلاً رفع مشقت و زحمت سفر است. حال اگر سفر برای بعضی هیچ زحمت و مشقتی نداشته باشد و حتی با وسایل مخصوص امروزی راحت تر از منزل و وطن شخص باشد، نماز قصر است؛ چرا که علت آن به قوت خود باقی است و حکم دائرمدار علت خود می باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۸۹).

موضوع نماز مسافر که یک حکم عبادی و از امور تعبدی است، دارای مصالحی است که شارع خواهان آن است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (نساء/ ۱۰۱). آیه شریفه علت و حکم کوتاهی نماز را دو چیز (سفر و ترس از گزند دشمنان) مطرح کرده است. البته از نظر فقها، قصد اصلی از کوتاهی و قصر نماز در این آیه به سفر اختصاص دارد و سپس خوف و ترس در این آیه، قید غالبی می باشد. لذا در حالت امن و آرامش هم حکم کوتاه خواندن نماز در سفر باقی می ماند و آیه عمومیت دارد، حتی اگر قید ترس نباشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۰/۷؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۵: ۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۹: ۱۸۲/۲). بنابراین تعلیق قصر بر ترس در آیه بدین سبب است که اکثر سفرهای پیامبر با ترس همراه بوده و این حالت مکرراً اتفاق افتاده است.

البته ظاهر آیه، اقتضای جمع بین سفر و ترس دارد؛ در حالی که محقق نراقی در *الحاشیة علی الروضة البهیة* چنین می نویسد:

«به اجماع، کوتاه نماز خواندن بدون ترس هم واجب است و شرط قصر نماز، جمع بین این دو نیست؛ زیرا این آیه از نوع آیات محکم است که نص می باشند و احتمال اشتباه و اختلاف در آن راه ندارد» (نراقی، ۱۴۲۵: ۲۳۳).

۱. هر گاه در زمین سفر کردید بر شما حرجی نیست که نماز را کوتاه کنید یا از آن بکاهید، اگر می ترسید که کافران به شما گزند و آسیب رسانند.

لذا در آیه، لفظ با معنا کاملاً مطابقت دارد؛ چرا که موضوع قصر و کوتاه خواندن نماز، سفر است، چه با وجود قید ترس و یا بدون ترس، و اینکه زبان آیه، زبان حکومت است؛ یعنی حکم اولی برای هر مکلف، نماز کامل است و این آیه ناظر به وجوب قصر نمازی است که طولانی می باشد (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶: ۱۶۵/۱). از این جهت، نماز مسافر وجوب مستقلی ندارد؛ بلکه یک امر است که به دو شکل انجام می شود.

می توان گفت که هر یک از سفر و ترس، شرطی مستقل است که به تنهایی موجب قصر می باشد و سببیت هیچ کدام برای قصر، مشروط به دیگری نیست. به عبارت دیگر، محال است که سبب تام، شرط برای سبب بودن دیگری قرار بگیرد. سرانجام چیزی که باقی می ماند، این است که هر یک از خوف و سفر به نوبه خود برای وجوب قصر، سبب تام است (سیوری حلی، بی تا: ۲۱۰/۱) و یا اینکه ترس را قید غالبی (سبحانی تبریزی، بی تا: ۱۲/۸) بدانیم که در حقیقت منظور از آن، محدود کردن دایره مفهوم کلمه کوتاه خواندن نماز نیست؛ بلکه قید ترس در بین غالب افراد مسافر وجود دارد و مفهوم ناشی از قید بر غالب افراد حمل می شود و این منافاتی با فراگیری حکم نسبت به سایر موارد سفر ندارد.

فلسفه و حکمت نماز مسافر بنا به روایت نبی اکرم ﷺ، صدقه و لطف خداوند است. ایشان می فرماید:

«تِلْكَ صَدَقَةٌ تَصَدَّقَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْكُمْ فَأَقْبَلُوا صَدَقَتَهُ» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۶۱/۲). این صدقه ای است که خداوند به شما عطا کرده است؛ پس صدقه او را قبول کنید.

لذا ایشان قصر نماز را احسان و لطف خدا نسبت به بندگان می داند که در هنگام سفر در رنج و سختی قرار نگیرند. بنابراین یکی از نکاتی که در ذهن بسیاری از افراد وجود دارد، این است که علت حکم نماز مسافر، سختی ها و مشکلاتی است که در گذشته در سفرها وجود داشته است؛ اما امروزه که سختی سفر مانند گذشته نیست و با پیشرفت فناوری، وسایل حمل و نقل تغییر کرده است، آیا باز هم ملاک نماز مسافر، همان سختی و مشکلات بین راه است؟ اگر به فرض که ملاک را خستگی بگیریم، پس چگونه شخص مسافر می تواند به محض رسیدن، قصد اقامت ده روز کند و در این صورت نمازش تمام است؟ بنابراین می توان گفت که سختی راه و آسان گرفتن بر

بندگان تنها می‌تواند یکی از علت‌ها باشد و تمام علت نیست.

به طور کلی می‌توان گفت که در احکام فقهی، راهی به سوی ملاکات احکام نیست و عقل نمی‌تواند تمام ملاکات واقعی را درک کند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۷۳/۱۲). بنابراین غایت و حکمت اصلی نماز مسافر به طور کامل برای ما روشن نیست؛ اما می‌توان با مراجعه به متون فقهی و روایی، به برخی حکمت‌های قصر در نماز مسافر اشاره کرد:

۳-۱. مصلحت تسهیل

از برخی روایات استفاده می‌شود که یکی از حکمت‌های این حکم، سهل‌گیری برای مسافر است و از آن، تعبیر به هدیه الهی می‌شود؛ همان طور که نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خداوند به خاطر اکرام امت من، هدیه‌ای به آنان داده است که به هیچ یک از امت‌های گذشته عطا نکرده است. آن هدیه روزه نگرفتن در سفر و کوتاه خواندن نماز در مسافرت است. پس هر کس به این دو دستور خداوند عمل نکند، گویا هدیه او را رد کرده است» (صدوق، ۱۳۸۶: ۳۸۲/۲).

بنابراین مطابق این روایت، خداوند در سفر برای رعایت مصلحت، الزام خود را برداشته است؛ همان طور که می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵). هیچ‌گاه کار دشواری را بر عهده کسی نمی‌گذارد، مگر به اندازه استطاعت و توانایی مکلف. شهید اول رابطه بین مصلحت تسهیل و قصر را لازم و ملزوم می‌داند و معتقد است که با وجود ملزوم (مشقت و سختی مکلف)، قصر نماز ثابت می‌شود (بهاء‌الدین عاملی، بی‌تا: ۲۵۴). البته سید مرتضی رابطه را سبب و مسبب می‌داند و ذیل عنوان کثرت سفر مسافر مطرح می‌کند که مشقت و سختی منجر به قصر نماز می‌شود. لذا کسی که کثیرالسفر است، اگر سختی و مشقتی برای او نیست، نمازش قصر نمی‌شود (شریف مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۱۶۴). محقق سبزواری برای تسهیل تکلیف، علتی غیر از مشقت مطرح می‌کند و معتقد است که اسقاط تکلیف به ادای اتمام نماز، ارفاق و تفضلی از جانب پروردگار است، حتی با وجود اینکه مسافر قادر بر خواندن

نماز کامل باشد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۴۷/۱۰).

البته لفظ مشقت خلاصه به سختی راه نمی‌شود و گاهی درونی است. سفر به هر مکان و با هر وسیله‌ای که انجام شود، ذاتاً و طبیعتاً نگرانی و دلهره به همراه دارد؛ زیرا انسان دقیقاً نمی‌داند که چند روز اقامت دارد و همیشه نوعی اضطراب وجود دارد. لذا درباره سفر گفته می‌شود که قطعه‌ای از عذاب دوزخ است. به همین دلیل خداوند در مقام امتنان، نماز قصر در سفر را واجب کرده است (یزدی، ۱۴۱۵: ۱۰۲/۱).

۲-۳. ابتلا و آزمون الهی

قصر در سفر، مصداق امتحان الهی است؛ زیرا تکالیف الهی، همه امتحان‌خداایی‌اند و به وسیله آن‌ها خوب و بد از هم جدا شده، خوبان در راه کمال و بدان در راه شقاوت پیش می‌روند (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۴۹/۵). بنابراین قصر در نماز، اجازه‌ای است از جانب پروردگار به بندگان متقی و پرهیزگارش تا آنان را بیازماید به اینکه همچنان که فرائض او را انجام می‌دهند، آیا به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل می‌نمایند؟

۳-۳. موضوعیت سفر

بنا بر اجماع فقهای شیعه و ظاهر روایات، موضوع قصر نماز، مطلق سفر است. فخرالمحققین حلی علت تام در وجوب قصر را نفس سفر می‌داند (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷: ۱۶۳/۱). شمس‌الدین قَطَّان حلی در کتاب *معالم‌الدین فی فقه آل یاسین*، تعبیر «ضرب فی الأرض» را سبب قصر نماز بیان می‌کند، به این دلیل که در مظان مشقت و سختی است (قَطَّان حلی، ۱۴۲۴: ۱۲۷/۱). به عبارتی از آنجا که موضوع حضر و اتمام نماز تغییر پیدا کرده، حکم آن هم تغییر می‌کند (موسوی گلپایگانی، ۱۳۹۹: ۲۵)؛ زیرا زمانی که شارع حکمی را با ملاحظه طبیعت و ماهیت موضوع وضع می‌کند، حکم با حفظ موضوع باقی می‌ماند و محال است که شارع در مقام جعل و قانون‌گذاری برای یک موضوع و معنوی، دو حکم تشریع کند (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۱۵).

لذا هر موضوع شرعی یک احکامی دارد؛ یعنی هیچ حکمی بدون موضوع نخواهد بود. ضروری است به این نکته نیز اشاره شود که موضوع حکم به اموری گفته می‌شود که وجود آن‌ها در حکم، مفروض گرفته شده باشد؛ همان طور که محقق نائینی می‌نویسد:

«موضوع، چیزی است که وجودش در متعلق حکم، مفروض و قطعی در نظر گرفته شده است؛ همچون عاقل، بالغ و مستطیع. به عبارت دیگر، موضوع عبارت است از مکلفی که از او فعل شیئی یا ترک شیئی خواسته شده است؛ البته با شرایط معتبره‌ای که در مکلف قرار دارد، مانند عقل و بلوغ و مسائلی از این نوع. لذا رابطه بین موضوع [سفر] و حکم [قصر] شبیه رابطه علت و معلول است» (غروی نائینی، ۱۳۷۶: ۱/۱۴۵).

شایان ذکر است که در کلام فقها، واژه در حال سفر بسیار کاربرد دارد که مراد از آن، خصوص حالت حرکت و پیمودن مسافت نیست؛ بلکه نزول و استقرار در مقصد را نیز شامل می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۳). بنابراین ورود بر عنوان سفر، مقتضی اقامت در محل و مقصد است.

۴. مشخصه‌های قصر در نماز مسافر

پیش از آنکه نظریه فقها در مورد نماز مسافر بیان گردد، لازم است ویژگی‌های بارز نماز مسافر که از دید حکم فقهی بسیار مهم می‌باشد، ارائه گردد:

۱-۴. عدم خصوصیت نوعی در قصر و اتمام

خصوصیت نوعیه از امور ذاتی است که قائم به ذات شیء است (حلی، ۱۴۳۲: ۳۳۷/۸). قصر و اتمام نماز از خصوصیات نوعیه نیستند، بلکه دو فرد و موضوع از یک نوع واحد هستند؛ زیرا نماز ظهر، عصر و عشاء، دو موضوع دارند؛ یک موضوع انجام چهار رکعتی نماز و موضوع دیگر اتیان دو رکعتی نماز است. لذا اگر مکلف نماز ظهر را چهار رکعت بخواند، جزء نماز تمام و کامل به شمار می‌آید و اگر نماز را دو رکعت به جا آورد، نماز قصر می‌باشد (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶: ۱۳/۵). بنابراین می‌توان گفت که قصر و اتمام از عوارض موضوع و خارج از ذات نماز است و جدا از طبیعت و ماهیت نماز می‌باشد (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۵).

بنابراین مسافر، یا باید نماز را قصر کند و یا باید نماز را کامل و تمام ادا کند. قصر دائرمدار صدق سفر است، اما تمام دائرمدار عناوین وجودیه به نحو صدق حضر نیست؛ بلکه منوط به عنوان سلبی غیر مسافر است و موضوع خارج از حکم است (نجفی

کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ۸۵/۲). به بیان دیگر، نماز قصر و تمام، دو حقیقت متفاوتی هستند که به عبارتی در آن دو، عدول (برگرداندن نیت) اتفاق می‌افتد که معدول عنه (قصر) و معدول الیه (تمام) قطعاً حقیقت واحدی نمی‌باشند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۳۸/۲). لذا دو حقیقت متغایری هستند که اگر مسافر نماز کامل ادا کند، حقیقتی را اتیان کرده که با مأموریه مغایر است. وجوب قصر بعد از تحقق عنوان سفر است و اگر عنوان مسافر صدق کند، قصر واجب می‌باشد.

محقق سبزواری خلاف این نظریه را دارد. ایشان نماز مسافر و نماز حاضر را دو حقیقت متغایر و متفاوت نمی‌داند؛ بلکه حقیقتی واحد می‌داند که تنها در کمیت و مقدار رکعات تفاوت دارند و در ادامه بیان می‌کند که فعلیت تکلیف در هر کدام از آن دو (نماز مسافر و نماز حاضر)، دائرمدار امکان تفریغ ذمه مکلف نسبت به قصر یا اتمام است؛ بدین صورت که بر حسب تکلیف فعلی، اگر امر به نماز تمام تعلق نگرفت، وجهی برای امر نیست؛ همان طور که اگر امر به قصر نماز نیست، تکلیف به آن وجهی ندارد (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۰/۶). اما به نظر می‌آید که نماز قصر و تمام، دو حالت را برای مکلف به وجود می‌آورند؛ یکی حالت حضر (اتیان چهار رکعت نماز) و دیگری حالت سفر (اتیان دو رکعت نماز). لذا این دو حالت منتهی به دو موضوعی می‌شوند که در زمان تبدیل موضوع، حکم نیز تغییر می‌کند. پس دو حکم مختلف نیستند که به موضوع و حقیقت واحدی تعلق داشته باشند؛ بلکه همان گونه که موضوع تغییر کرده، ملاک هم مطابق با موضوع عوض شده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱: ۱۱۱/۱).

۲-۴. لحاظ عموم زمانی

شمول حکم نسبت به زمان‌های مختلف موضوع عموم زمانی، مفهومی است که شمول آن به حسب زمان لحاظ شده است. بنابراین در مواردی که زمان محدود یا مستمر، ظرف برای ثبوت حکم بر موضوع باشد، عموم زمانی در نفس حکم لحاظ شده است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۵۹۱). لذا اگر شارع بگوید: «یجب القصر فی السفر»، به این معناست که در تمامی افراد زمان، حکم وجوب قصر محقق است. عموم و شمول زمانی به سه صورت متصور است: ۱- گاهی در دلیل حکم به عمومیت

زمانی تصریح می‌شود؛ ۲- گاهی نیز دلیل لفظی جداگانه‌ای افاده عموم زمانی می‌کند؛ ۳- زمانی نیز از دلیل حکمت عموم زمانی استفاده می‌شود و آن زمانی است که اگر اراده عموم زمانی نشود، لغویت لازم می‌آید (ولایی، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

پس زمانی که گفته می‌شود نماز مسافر قصر است، این حکم مادامی که مسافر است، صدق می‌کند و این به معنای عموم زمانی است و لکن اگر عموم از نفس حکم استنباط می‌شود، بر حسب حالاتی که برای عموم متصور است، می‌باشد؛ چرا که نتیجه‌اش این می‌شود که حکم قصر نماز منوط به زمانی است که شخص مسافر باشد، همان طور که در هر قضیه‌ای که حکم به عنوانی تعلق بگیرد، شأن و مقام همین گونه است. بنابراین فرقی نمی‌کند که دوام در نفس حکم یا در متعلق حکم باشد (حلی، ۱۴۳۲: ۱۰/۴۲۹). به بیان دیگر عموم زمانی، یا در نفس حکم لحاظ می‌شود، مانند موارد قبلی که زمان ظرف حکم است یا در موضوع لحاظ می‌گردد، به این گونه که زمان قید موضوع می‌شود، یعنی وجود موضوع در هر زمان خاص، مطلوب جداگانه‌ای برای شارع است.

۳-۴. امر واقعی

امر واقعی، امری است که به عناوین واقعی در حالت اختیار مکلف (عدم اضطرار) و عدم شک او به حکم واقعی تعلق گرفته است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۸۵) و امری که به عنوان قصر نماز تعلق گرفته، امر قصدی نیست؛ بلکه امری واقعی است که همان نماز دو رکعت از چهار رکعت است و گویی تقصیر و تقطیع نماز تمام واجب می‌باشد به اینکه سلام مؤخر در نماز، مقدم شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۴).

محقق خوئی در بحث قصر اتفاقی نماز بدون قصد، این گونه به امر واقعی اشاره می‌کند:

«چنانچه فرد در سفر به هنگام غفلت و از باب اتفاق بدون قصد، نماز را قصر ادا کند، نماز به دلیل عدم قصد باطل نیست؛ زیرا نیت امثال امر واقعی را دارد و مصداق آن را در خارج ادا کرده و قصد تقرب را داشته است» (موسوی خوئی، ۱۴۱۸: ۲۰/۳۸۳).

بنابراین امر واقعی در قصر نماز به این معناست که از سوی شارع با قطع نظر از علم و جهل مکلف صادر گردیده و مؤدای آن، حکم واقعی است.

۴-۴. قصر متعلق به طبیعت نماز

روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) در مورد قضای نماز نقل شده است: «يُقْضَى مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ» که اشاره دارد به اینکه اگر نماز قصر قضا شود، باید قصر و اگر نماز تمام قضا شود، باید تمام ادا شود. آقاضیاء در کتاب شرح تبصرة المتعلمین تصریح می‌کند که این روایت کاشف از آن است که قصر و اتمام مربوط به خود نماز است و به خصوصیات حال نمازگزار از جمله بیماری، وجود مانع، عدم وجود آب و... بر نمی‌گردد (عراقی، ۱۴۱۴: ۱۹۲/۲). به عبارتی، همه مشخصه‌هایی که مربوط به طبیعت نماز قصر است، داخل در عنوان قصر است و هر خصوصیتی که مربوط به نمازگزار است - از جمله سختی و مشقت در راه - داخل در عنوان نماز قصر نیست؛ زیرا امر به طبیعت نماز مسافر، به صرف وجود آن است و تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد.

۵. جواز قصر در نماز مسافر

رویکردی که در فقه عامه و اهل سنت و بعضی از فقهای امامیه از جمله علامه حلی در تذکرة الفقهاء درباره نماز مسافر وجود دارد، جواز قصر است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۵۰/۴). فقهای عامه هم در این مسئله دو قول دارند:

نخست، قول رخصت و جواز قصر که فرقه شافعی، اوزاعی، سعدبن ابی وقاص و عثمان بر این قول هستند.

دوم، عزیمت و وجوب قصر در نماز مسافر که قول ابوحنیفه و مالکی می‌باشد (اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۹/۱۹).

علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء نظریه شافعی را دو قول می‌داند: یک قول این است که بنا بر روایت حضرت رسول: «خيار عباد الله الذين إذا سافروا قصرُوا»، قصر نماز بهتر است، و قول دیگر آن است که اتمام نماز افضل است؛ زیرا اصل بر نماز کامل است و قصر رخصت می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۵۸/۴).

رویکرد جواز قصر در دو مقام، بر خلاف نظریه فقهای امامیه است:

الف) در وجوب تعیینی قصر که فقهای امامیه بر آن اجماع کرده‌اند؛ اما اکثر اهل تسنن و عامه، تخییر و جواز بین قصر و تمام را برگزیده‌اند.

ب) تحدید مسافت، که ابوحنیفه حد مسافت را سه مرحله (۲۴ فرسخ) می‌داند و بعضی دیگر دو مرحله. اما فقهای امامیه بر هشت فرسخ متفق هستند (حسینی میلانی، ۱۳۹۵: ۲).

فقهای عامه برای اثبات نظریه جواز قصر دو دلیل می‌آوردند:

۱-۵. دلیل اول

اینکه در زمان شک بین قصر و تمام، مقتضای اصل به دلیل دوران بین اقل و اکثر، تمام می‌باشد. بنابراین در هنگام شک باید نماز تمام خوانده شود.

۱-۱-۵. نقد و بررسی

بر این دیدگاه دو اشکال وارد شده است: یکی اینکه زمانی که عام (هر مکلفی نماز کامل و تمام بخواند) به مخصص منفصل (نماز مسافر) تخصیص می‌خورد، باقی تحت عنوان عدمی (غیر مسافر) است. لذا در زمان شک، حکم به وجوب نماز تمام می‌شود. اما اگر عنوان «شخص حاضر نماز تمام بخواند» و «مسافر نماز قصر بخواند» باشد. در اینجا برای هر عنوان موضوع مستقلی است و برای عام و خاص عنوان وجودی می‌باشد. بنابراین اگر عنوان خاص محرز نشد، عام محرز می‌شود؛ ولی در غیر این دو صورت مورد علم اجمالی است و احتیاط در آن واجب می‌شود.

دوم اینکه اگر آیه «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» در مقام بیان بود، عموم و اطلاق منعقد می‌شد و با سفر هم تخصیص می‌خورد. اما این آیه در مقام تشریع است؛ لذا در هنگام شک عموم منعقد نمی‌شود (همان: ۴).

طباطبایی بروجردی بر دیدگاه فقهای عامه چنین اشکال وارد می‌کند که لسان آیه تقصیر، تخصیص نیست، بلکه حکومت است. بنابراین دیگر مجالی برای این نظر که دو موضوع وجود دارد، یکی مسافر (امری عدمی) و دیگری حاضر (امری وجودی)، باقی نمی‌ماند؛ زیرا زمانی که عنوان عدمی وجود دارد، در اصل عنوان وجودی مرتفع است و دیگر عام تنها معنون به این عنوان عدمی است. لذا در صورت شک بین قصر و اتمام، نفس موضوع عام باقی می‌ماند و نماز تمام واجب می‌شود (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶: ۱/۱۶۶).

۲-۵. دلیل دوم

مطابق این نظریه، آنچه موجب قصر نماز مسافر می‌شود، قصر در کیفیت نماز است نه کمیت آن. برای اثبات این نظریه، تعبیر «لیس علیکم جناح» در آیه ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ را مورد استناد قرار داده‌اند. ابن زهره این نظریه را چنین بیان می‌کند:

«نفی جناح در این آیه، مقتضی اباحه است نه وجوب؛ زیرا در این آیه، قصر نماز تعداد رکعت‌های نماز را شامل نمی‌شود، بلکه منظور قصر در افعال نماز می‌باشد؛ چرا که خداوند متعال قصر را متوقف به خوف کرده است که شرط در افعال نماز می‌باشد» (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۷۴).

۱-۲-۵. نقد و بررسی

استدلال مزبور به دو دلیل اشکال دارد:

اولاً شریف مرتضی معتقد است که این آیه در مورد کمیت و قصر تعداد رکعات نماز به کار نرفته است، بلکه آنچه از آیه استنباط می‌شود، افعال و کیفیت نماز است؛ چرا که در آیه، قصر بر خوف تعلیق شده و هیچ اختلافی نیست که شرط قصر در تعداد رکعات نماز، خوف نیست، بلکه خوف و ترس، شرط بعد از وجه افعال و کیفیت نماز است (شریف مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۱۶۴). همچنین شهید اول وجوب قصر را از این آیه چنین استنباط می‌کند که خوف و سفر، علت و سببی برای قصر هستند که هر کدام از آن دو حاصل شد، قصر واجب می‌شود (عاملی جزینی، بی‌تا: ۲۵۵).

ثانیاً نفی جناح در امور واجب، مستحب و مباح کاربرد دارد و استعمال می‌شود (سیوری حلی، بی‌تا: ۱/۱۸۲). لذا نفی جناح منافی وجوب نیست.

بنابراین مطابق دیدگاه فقهای امامیه، تعبیر نفی جناح دلالت بر تخییر بین قصر و اتمام ندارد، اما شافعی آن را دلیل بر رخصت می‌دانند؛ زیرا قصر را نقص و عیب دانسته و برای اطمینان خاطر بیشتر، نفی جناح را بر تخییر و جواز حمل کرده‌اند (فاضل کاظمی، بی‌تا: ۱/۲۷۲). به عبارت دیگر در کتاب *مسائل فقهیه* چنین بیان می‌شود که نظریه تخییر بین قصر و تمام، تأویل و تفسیر به رأی می‌باشد که در ادله تقصیر صورت گرفته است (عاملی جزینی، بی‌تا: ۶۲).

۶. وجوب قصر در نماز مسافر

شیخ طوسی در بیان حکم نماز سفر، تعبیر نماز قصر را صحیح نمی‌داند و چنین استدلال می‌کند که نماز مسافر با نماز حاضر متفاوت است؛ بدین صورت که نماز به دو صورت تشریع شده و نماز مسافر نامش نماز قصر نیست. به نظر ایشان، نوع تکلیف در این دو نماز متفاوت است و اینکه نماز مسافر را نماز قصر بنامیم، خلاف اجماع می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۵۶۹/۱). به عبارتی، ایشان نماز مسافر را قسیم سایر نمازهای واجب می‌داند. شیخ صدوق از عنوان «التقصیر فریضة» استفاده می‌کند و می‌گوید:

«خداوند تعال در ابتدا نماز را دو رکعت دو رکعت وضع کرده و سپس شارع در نمازهای حضر، دو رکعت را اضافه کرده است».

ایشان در ادامه، روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «متم الصلاة فی السفر کالمقصر فی الحضر»؛^۱ به این معنا که وجوب حکم ناتمام گزاردن نماز در سفر همانند وجوب تمام گزاردن نماز در غیر سفر است (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۲۴-۱۲۵).

شهید ثانی تعبیر رخصت و جایز بودن نماز مسافر را مجازی می‌داند:

«أنَّ المشروع لما كانت ثابتة في الجملة، أمكن إطلاق الرخصة على القصر مجازاً، فكان التعبير بالعزيمة أولى» (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۴۷)؛ زمانی که به طور کلی مشروعیت نماز مسافر ثابت شود، تعبیر رخصت بر نماز مسافر مجازی است. پس تعبیر به عزيمة بهتر است.

سید مرتضی برای اثبات این ادعا به اجماع استناد می‌کند و می‌گوید:

«لا خلاف بين الأمة في أنَّ كلَّ سفر أسقط فرض الصيام ورخص في الإفطار، فهو بعينه موجب لقصر الصلاة» (شريف مرتضى علم الهدى، ۱۴۱۵: ۱۶۰)؛ میان امت اختلافی نیست در اینکه هر سفری که وجوب روزه را بردارد و اجازه افطار دهد، همان سفر موجب قصر نماز می‌شود.

بنا بر اجماع فقها، قصر نماز حکم و عزيمة است که در اختیار ما نمی‌باشد. لذا اگر در سفر نماز را اتمام کند، مجزی نیست و باید نماز را اعاده کند (آل عصفور دزازی).

۱. کسی که در سفر نماز تمام می‌خواند، همانند کسی است که در حضر نماز ناقص می‌خواند.

بحرانی، ۱۴۲۱: ۱۷۰؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۲۰۱). یا به بیان علامه حلی می‌توان چنین گفت که اگر قصر نماز رخصت بود، ائمه علیهم‌السلام بر قصر در عمل تأکید نمی‌کردند و ترک آن را به خاطر عدول از اصل و شناخت احکام جایز می‌دانستند. ایشان در ادامه، روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند مبنی بر اینکه مسافری که نماز ظهر را چهار رکعت خوانده است، باید نماز را اعاده کند (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۱۶۶/۲).

علاوه بر اجماع بر عزیمت نماز مسافر، به روایات فراوانی بر وجوب قصر نماز استناد می‌شود که برای نمونه تعدادی از آن‌ها را نقل می‌کنیم:

صاحب *مدارک الاحکام* برای وجوب مطلق تقصیر در سفر، به روایتی از امام حسین علیه‌السلام تمسک کرده است:

«يَدْخُلُ عَلَيَّ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَأَنَا فِي السَّفَرِ فَلَا أُصَلِّي حَتَّى أَذْخُلَ أَهْلِي. قَالَ: صَلِّ وَأَتِمَّ الصَّلَاةَ. قُلْتُ: فَدَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَأَنَا فِي أَهْلِي. أُرِيدُ السَّفَرَ فَلَا أُصَلِّي حَتَّى أَخْرُجَ. قَالَ: صَلِّ وَقَصِّرْ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَقَدْ وَاللَّهِ خَالَفْتَ رَسُولَ اللَّهِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ب/۱۶۳/۳).

ایشان تمام خواندن نماز در سفر را مخالفت با حکم خدا و رسول خدا می‌داند. صاحب *جواهر الکلام* اطلاق در دو روایت زیر را دلیل بر وجوب قصر در سفر می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷/۱۴۰)؛ یکی روایت امام باقر علیه‌السلام که قصر نماز در سفر را سنت پیامبر می‌داند و می‌فرماید:

«خَيَاؤُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَقَصَرُوا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۱۲۷)؛ نیکان امت من کسانی هستند که چون سفر کنند، افطار می‌کنند و نماز قصر می‌خوانند.

دیگر روایتی از امام حسین علیه‌السلام؛ «من سافر قصر وأفطر» (همان: ۴/۱۲۹)؛ هر کس به سفر رفت، باید نماز را قصر و روزه را افطار کند.

شیخ حرّ عاملی ذیل عنوان «وجوب القصر وتحريم الإتمام في السفر» روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند: «فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِبًا كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ» و همچنین روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که گروهی را گناهکار نامید، آن هنگام که آن حضرت افطار کرد و نماز قصر خواند، ولی آن‌ها روزه گرفتند (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۳/۴۲۱).

همچنین روایتی از امام حسین علیه السلام در مورد مسافر نقل شده است: «ما أحب أن يقصر الصلاة» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۶۱/۷).

این رویکرد در فقه شیعه به دلیل ریشه داشتن در روایات، قوی تر به نظر می رسد. در روایات، ائمه علیهم السلام قصر نماز را در سفر واجب می دانند و فقهای شیعه متفق اند بر اینکه قصر در حال سفر، عزیمت و حکم واجب است. به تعبیر دیگر می توان گفت که اگر به ادله و مستندات نظریه فقهای شیعه بنگریم، تقصیر نمازهای چهار رکعتی مسافر، منشأ قرآنی و حدیثی دارد. بنابراین دیدگاه فقها در این مسئله به نحو عزیمت نماز مسافر دلالت می کند. در این نظریه، نماز مسافر مشمول قاعده نفی عسر و حرج که از باب رخصت است، نمی باشد.

بنابراین کسی که می داند مسافر است و نماز را باید کوتاه بخواند، اگر عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است (شریف مرتضی علم الهدی، ۱۴۱۵: ۱۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۵۶۷/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۳۳/۱). فقهای شیعه در رابطه با دلالت این آیه بر وجوب قصر دو نظر دارند:

۱-۶. نظریه اول: دلالت آیه بر وجوب قصر

در این نظریه به دو شکل، وجوب قصر را از آیه شریفه استنباط می کنند:

۱- علتی که فقها بیان می کنند، تعلیل امام باقر علیه السلام است که ایشان نفی جناحی را که در آیه ذکر شده، همانند نفی جناح در آیه سعی می داند: «إِنَّ الصَّغَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا»^۱ (بقره/۱۵۸). نفی جناح در این آیه، دلالت بر وجوب می کند؛ زیرا لسان دو آیه یکی است. همان طور که در آیه سعی از نفی جناح، وجوب طواف استفاده می شود، در آیه قصر هم از نفی جناح، وجوب قصر برداشت می شود (معروف حسنی، ۱۴۱۱: ۴۶).

بنابراین در هر دو آیه، ارتکاز ذهنی وجود دارد و در عمق ذهن عقلاً رسوخ کرده است که صیغه امر دال بر وجوب، بلافاصله به ذهن خطور می کند (حجت کوه کمری، ۱۴۱۰: ۹۳).

۱. سعی صفا و مروه از شعائر دین خداست؛ پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد، گناهی بر او نیست که سعی صفا و مروه نیز به جای آورد.

۲- جناح که در آیه قصر در سفر آمده، منافاتی با وجوب سعی یا وجوب قصر نماز ندارد، گرچه به ظاهر، دلالت بر جواز و رخصت دارد؛ زیرا جناح معرب گناه است «ولا جناح» تنها به معنای نفی گناه است؛ یعنی در انجام آن گناهی نیست. نکته در اینجاست که امام علیه السلام می‌خواهد روشن سازد تضادی میان این تعبیر که به ظاهر افاده جواز دارد و اصل وجوب دو تکلیف یادشده نیست؛ زیرا این تعبیر تنها برای رفع توهّم ممنوع بودن آمده است؛ دفع توهّم حظر و منع که مسلمانان گمان می‌کردند سعی میان صفا و مروه جایز نباشد، همان گونه که رفع توهّم منع قصر نماز مسافر بوده است که به مقتضای روایات متواتر، حکمی مسلم و ضروری است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۳/۲۰).

۲-۶. نظریه دوم: عدم دلالت آیه بر اثبات وجوب قصر

سبحانی تبریزی معتقد است که آیه نه بر رخصت و نه بر عزیمت دلالت می‌کند و تنها باید به سنت و روایات مراجعه کرد (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳: ۳۲۹/۱). ایشان در کتاب *ضیاء الناظر فی احکام المسافرين* در تفسیر این آیه عنوان می‌کند که آیه در صدد تشریح حکم قصر نیست؛ بلکه فقط در مقام رفع حظر و مانع می‌باشد. اصل حکم قصر نماز را باید از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فهمید (همو، ۱۴۱۸: ۱۰).

اما برخی از تعبیر دیگری استفاده می‌کنند که قصر نماز موجب نقص در نماز یا نقصان ثواب خواهد شد. ولی روایات متواتری که از طرق عامه و خاصه نقل شده‌اند، نفی جناح را حمل بر وجوب می‌کنند و این تعبیر را توهمی بیش نمی‌دانند؛ چرا که روایات متواتر نفی جناح را تخصیص می‌زنند (مجلسی دوم، ۱۴۱۰: ۶/۸۶). بنا بر خوانش این آیه، گونه‌ای قلب معنایی (انزیاح دلالی) وجود دارد که نمی‌توان آن را جدای از فهم ظرف خارجی نزول آیه و بدون آگاهی از سبب نزول آن دریافت؛ چنان که در روایات اشاره کردیم که آیه درباره کسانی (مسافرانی) نازل شده که از خوردن روزه خودداری کردند و عُصاة (معصیت کاران) نام گرفتند (جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۲۲۰/۳۰).

۷. نظر اصولیان در مورد قصر در نماز مسافر

به مقتضای قواعد علم اصول، اتمام در سفر (چهار رکعت خواندن) فاقد مشروعیت

است و اصولیان در بحث «امتناع الامر بضدین» قائل اند که امر به نماز قصر مطلق می‌باشد و امر به ضد آن (اتمام نماز) مشروط به عصیان شارع است که موجب دو امر می‌شود: ۱- استحقاق مجازات به دلیل ترک مأموره؛ ۲- ترتب که مستلزم جمع بین ضدین در آن واحد می‌باشد که محال و ممتنع است؛ زیرا امر به قصر، عملی است که متوقف بر چیزی نیست، اما اتمام نماز، عمل متوقف بر عصیان است که موجب اجتماع دو ضد خواهد شد (جزائری مروج، ۱۴۱۵: ۴۵۴/۶).

محقق خوبی در این باره چنین استدلال می‌کند که در نماز قصر، مصلحت ملزمه و تامی است که شارع از یک جهت به آن امر می‌کند؛ همان طوری که در نماز تمام مصلحت ملزمه تام می‌باشد. بین این دو مصلحت تضاد وجود دارد، به گونه‌ای که با اتیان یکی از آن دو، اتیان دیگری محال است. لذا اگر مکلف در نماز قصر، مصلحت ملزمه اولی را ترک کند، مستحق عقاب خواهد بود (موسوی خوبی، ۱۴۲۸: ۴۶۴/۲). به بیان دیگر به نظر ایشان، مصلحت نماز قصر در سفر به جهت امر به قصر، بیشتر از نماز تمام است.

خوبی در بیان این مسئله، ترتب را صحیح نمی‌داند و معتقد است:

«کاشف‌الغطاء از راه ترتب در مورد بحث استفاده کرده که نماز تمام در حق مسافر جاهل، دارای امر ترتبی است؛ به این صورت که گویا وظیفه اولی قصر بوده و با ترک آن، مستحق عقاب است و در این مسائل هم باب ترتب است و اگر عصیان کرد، امر دیگری فعلی می‌شود و به امر ثانوی مأمور به عکس وظیفه واقعی می‌شود» (موسوی خوبی، ۱۴۲۲: ۵۸۷/۱).

محقق نائینی بر سخن کاشف‌الغطاء اعتراض کرده که اینجا جای ترتب نیست؛ زیرا ترتب در جایی است که دو واجب متضاد احیاناً با هم تراحم کنند، نه در جایی که همیشه تراحم بین دو عمل دائمی و پیوسته است. این داخل در باب تعارض است نه تراحم (غروی نائینی، ۱۳۷۶: ۳۰۹/۱). بنابراین از آنجا که مصلحت در طول احکام شریعت است، نه در عرض آنها، و اینکه احکام شرعی تابع مصالح و مفاسدند، این ارتکاز در فروع فقهی به خوبی آشکار است. گویا تبعیت مذکور، امری مسلم و مفروغ‌عنه نزد فقها و اصولیان برداشت شده، به نحوی که در مواضع مختلف از جمله نماز مسافر، به

آن استناد می‌کنند که در نماز مسافر غرض این است که ادراک مصلحت تام و کامل احراز شود؛ لذا زمانی که مصلحت آن ناقص است، امر به آن ساقط می‌شود. اصولیان گاهی وجوب قصر نماز را در مقام احتیاط بیان می‌کنند؛ از آنجا که احکام الهی توفیقی‌اند، یعنی متوقف بر این هستند که از ناحیه شارع و رسول بیان شوند. مشروع بودن چهار رکعت خواندن نماز در سفر به عنوان تخییر در قصر و اتمام، خلاف سیره و دستور پیامبر است و هر گاه شک کنیم که آیا تعیین است یا تخییر، چنین شکی، شک در تکلیف در مقام امثال است و مقتضای قواعد در این حالت، احتیاط کردن است که همان دو رکعت خواندن نماز باشد (صدر، ۱۴۲۰: ۲۰۵)؛ چون در مشروعیت بیش از دو رکعت شک داریم و عبادت با شک در مشروعیت آن روا نیست و نامشروع است.

با توجه به مطالب مذکور، احکام فقهی و اصولی نماز مسافر، فرازهای متعددی دارد؛ اما از تمام یافته‌های مربوط به آن احکام می‌توان متوجه شد که سه رکن اساسی در نماز مسافر وجود دارد: مطلق سفر، قصر، عزیمت. بنابراین حکم نماز مسافر مربوط به آسان بودن و سخت بودن سفر نیست؛ بلکه در مسافرت‌های راحت امروزی نیز با حصول شرایط قصر نماز باید نماز را قصر خواند. در حقیقت حکم سفر و نماز قصر با وسایل نقلیه امروزی، همان حکم سفر با وسایل ابتدایی زمان‌های قدیم است. پس مسافر خواه با هواپیما، قطار، کشتی، خودرو و یا هر وسیله دیگری سفر کند، حکم قصر نماز تغییری نمی‌کند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۷۷).

نتیجه‌گیری

با بررسی مبانی و مستندات فقها و همچنین معنای اصطلاحی می‌توان نتیجه گرفت:

- در مبانی فقهی و اسلامی، هر حکمی که از ناحیه شارع صادر گردیده، اعم از مسائل حقوقی الزامی و احکام اخلاقی و عبادی، حتماً دارای مصالحی است که شارع خواهان آن است. نماز مسافر هم از این قانون مستثنا نیست. حکمت و غایت قصر در نماز مسافر، مصلحت تسهیل، آزمون الهی و موضوعیت سفر می‌باشد.
- حکم نماز مسافر دائرمدار عنوان سفر و یک حکم عمومی است. به عبارتی، سفر

در این حکم موضوعیت دارد که تا عنوان سفر هست، حکم هم به قوت خود باقی است و با تغییر زمان، مکان و شرایط، این حکم تغییر نمی‌کند. بنابراین نفس سفر، زیربنای احکام نماز مسافر واقع شده و در صدور احکام فقهی مرتبط با آن می‌تواند به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شود.

- فقهای شیعه در وجوب قصر در نماز مسافر، به اجماع و روایات منقول از ائمه علیهم‌السلام استناد می‌کنند؛ از جمله روایت امام باقر علیه‌السلام: «فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِبًا كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ» و «خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَقَصَرُوا» و همچنین روایت امام حسین علیه‌السلام: «من سافر قصر وأفطر»، و وجوب قصر را به نحو عزیمت می‌دانند که اختصاص به شرایط و مکلفی خاص ندارد و شارع آن را به اقتضای مصالح ذاتی و عام تشریع کرده است. لذا اگر مسافر که امر به خواندن دو رکعت نماز شده است، به هر دلیلی از جمله تقرب به خدا و ثواب بیشتر، چهار رکعت را اتیان کند، حرام و باطل است.

- قصر، چهار مشخصه مهم «عدم خصوصیت نوعیه، عموم زمانی، امر واقعی، تعلق به طبیعت نماز» را دارد که در ماهیت نماز مسافر تأثیر بسزایی خواهند داشت.

- از آنجا که آیه قصر که در متن ذکر شد، تنها خطوط کلی را ترسیم می‌کند و هیچ ابهامی در بیان خطوط کلی ندارد و چون وارد جزئیات (وجوب یا جواز) نشده، حدود، قید و خصوصیات آن را روایات بیان می‌کند، لذا اگر می‌فرماید: «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»، این‌ها در دلالت بر خطوط جامع و کلی ابهامی ندارند، ولی نحوه اجرا و مشخص شدن جزئیات و مصداق‌های آن‌ها در روایات مشاهده می‌شود. در اینجا نقش اساسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام و نیاز مردم به آنان برای تفسیر قرآن روشن می‌گردد. بنابراین ادله نقلی و روایی که فقهای شیعه بدان استناد جسته‌اند، به عنوان تطبیق و بیان مصداق کامل کاربرد دارند.

- رابطه میان نماز مسافر و نماز تمام از باب تضاد است؛ نماز مسافر مقید به دو رکعت نماز است، اما نماز تمام به عدم (دو رکعت) مقید شده است. بنابراین هر کدام از آن دو، مقید به قیدی هستند که در تضاد با دیگری است و مقابل یکدیگر قرار دارند.

کتاب شناسی

۱. آل عصفور درآزی بحرانی، حسین بن محمد، *سداد العباد و رشاد العباد*، قم، کتابفروشی محلاتی، ۱۴۲۱ ق.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین علی بن ابراهیم، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، قم، دار سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوئی لتحریر الفتاوی*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن زهره حلبی، سید حمزه بن علی حسینی، *غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ ق.
۵. ابن فارس، ابوالحسن احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران، المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة، بی تا.
۷. اشتهازی، علی پناه، *مدارک العروة*، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ ق.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین، *کتاب الصلاة*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۹. بهاء الدین عاملی، محمد بن حسین، و نظام بن حسین ساوجی، *جامع عباسی و تکمیل آن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۱۰. جزائری مروج، سید محمد جعفر، *منتهی الدرایة فی توضیح الکفایه*، قم، دار الکتاب، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. جمعی از مؤلفان، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، بی تا.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حمّاد، *الصّحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. حجت کوه کمری، سید محمد بن علی، *النجم الزاهر فی صلاة المسافر*، تبریز، طلوع، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *هدایة الامة الی احکام الائمة - منتخب المسائل*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. حسینی شیرازی، سید محمد، *الفقه؛ المروور و آداب السفر*، بیروت، مؤسسة المجتبی، ۱۴۲۱ ق.
۱۶. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، *ولایت فقیه در حکومت اسلام*، مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. حسینی میلانی، سید محمد هادی، *محاضرات فی فقه الامامیة - صلاة المسافر و قاعدتی الصّحة و الید*، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵ ق.
۱۸. حلّی، حسین، *اصول الفقه*، قم، مکتبة الفقه و الاصول المختصه، ۱۴۳۲ ق.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر، *الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۳ ق.
۲۱. همو، *سلسلة المسائل الفقهیة*، قم، بی نا، بی تا.
۲۲. همو، *ضیاء الناظر فی احکام صلاة المسافر*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ ق.
۲۳. سیوری حلّی (فاضل مقداد)، جمال الدین مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، پاساژ قدس، بی تا.

۲۴. شریف مرتضی علم الهدی، علی بن حسین موسوی، *الاتصاف فی انفرادات الامامیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. صدر، سیدرضا، *الاجتهاد والتقلید*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *المقنع*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. همو، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۶ ق.
۲۹. طباطبائی بروجردی، سیدحسین، *تبیان الصلاة*، قم، گنج عرفان، ۱۴۲۶ ق.
۳۰. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الخلاص*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق. (الف)
۳۲. همو، *تهذیب الاحکام*، چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق. (ب)
۳۳. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *تمهید القواعد الاصولیه والعربیّه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، *رسائل الشہید الاول*، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۵. عراقی، آقاضیاء الدین، *شرح تبصرة المتعلمین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. علامه حلّی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. همو، *نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ ق.
۳۸. غروی نائینی، محمدحسین، *فوائد الاصول*، تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ ش.
۳۹. فاضل کاظمی، جواد بن سعد اسدی، *مسالك الافهام الى آيات الاحکام*، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۰. فخرالمحققین حلّی، ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق.
۴۱. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، *کتاب الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۴۲. قرشی، سیدعلی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۴۳. قطان حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع، *معالم الدین فی فقه آل یاسین*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۴۴. قطب الدین راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة الله، *فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام*، چاپ دوم، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۴۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۴۷. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

۴۸. مشکینی، میرزاعلی، *مصطلحات الفقه*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۹. معروف حسینی، هاشم، *تاریخ الفقه الجعفری*، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۵۰. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دار الرضی، بی‌تا.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۵۲. موسوی بجنوردی، سیدحسن، *القواعد الفقہیہ*، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۵۳. موسوی خمینی، سیدمصطفی، *الواجبات فی الصلاة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
۵۴. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *غایة المأمول من علم الاصول*، تقرير محمدتقی جواهری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۵۵. همو، *مصباح الاصول*، قم، مؤسسه احیاء آثار السید الخوئی، ۱۴۲۲ ق.
۵۶. همو، *موسوعة الامام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۵۷. موسوی سبزواری، سیدعبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار - دفتر معظم له، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، *بلغة الطالب فی التعليق علی بیع المكاسب*، قم، چاپخانه خیام، ۱۳۹۹ ق.
۵۹. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۶۰. نجفی کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمد رضا، *سفینه النجاة و مشکاة الہدی و مصباح السعادات*، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ق.
۶۱. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، *الحاشیة علی الروضة البهیة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ ق.
۶۲. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، *مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع*، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ ق.
۶۳. ولایی، عیسی، *فرہنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، چاپ ششم، تهران، نی، ۱۳۸۷ ش.
۶۴. یزدی، محمد، *فقه القرآن*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.